نگاه

برخی توصیه‌های اخلاقی آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا

-عمده چیزی که برزخ را تاریک می‌کند، حرف پشت سر مردم است، غیبت، تهمت و... همچنین یکی از چیزهایی که برزخ را روشن می‌کند، گره‌گشایی از کار مردم است. برزخ را گناهان، تاریک می‌کنند و از آن طرف دیگر اعمال خیر، باعث روشنایی عالم قبر و برزخ می‌شوند.

- خواهش می‌کنم حاضر جواب نباشید. من به جوان‌ها می‌گویم دیر نمی‌شود، بعداً جواب بدهید. کمی تأمل کنید. حاضر جوابی بعضی وقت‌ها آدم را محروم می‌کند. همین‌طوری زود چیزی را نپرانید، تمرین کنید و یک ذره دیرتر جواب بدهید.

- مشاجره‌ها و نزاع‌ها، نور باطن را خاموش می‌کند! بسیاری از بی‌حالی‌ها و عدم نشاط‌ها به جهت مشاجرات است! کم منزلی داریم که در آن پرخاش و تندی نباشد. روزی چند تا پرخاش باشد، برکات می‌رود و دیگر چیزی نمی‌ماند! حتی اگر حق هم با تو بود، در امور جزئی و شخصی مشاجره نکن، چون کدورت آور است.

- نعمتی که انسان را از خدا غافل کند، نقمت و عقاب است. از جمله، گریه استدراجی است. حال گریه به او می‌دهند، که فکر کند آدم خوبی است! بعضی افراد هستند که در مجالس و هیأت گریه می‌کنند اما کارهایی از این‌ها سر می‌زند که سنگ را به گریه می‌اندازد! مسکین گمان می‌کند خیلی حال خوبی دارد!

- در جامعه ما تقوای لسانی خیلی کم است، بعضی از متدینین، اهل مسجد، اهل هیأت، تقوای لسانی را از دست داده‌اند! گویا غیبت واجب است و تهمت و افترا مستحب! خدا می‌داند خیلی خطرناک است، توفیق سلب می‌شود، قلب تیره می‌شود، نشاط در عبادات موجود نیست.

- بگذارید جمله‌ای کامل شود بعد ایراد بگیرید. نمی‌دانم چرا این‌طوری هستیم! در خواهر و برادری هم حاضر نیستیم حرف یکدیگر را تا آخر گوش کنیم. می‌گوییم وایسا، شکر تو کلامت! خب شکر به چه درد می‌خورد؟ یا اگر از جمله‌ای خوشش نیاید می‌پرد وسط حرف! بابا جان صبر کن تا حرف اون آدم تمام شود.

- خشم ما را بیچاره کرده است، نمی‌گذارد به جایی برسیم! هی دور خود می‌چرخیم، چرا که بداخلاقیم! امام صادق علیه‌السلام فرمود: «آدم بداخلاق، معارف را پیدا نمی‌کند.»

آقای طباطبایی اگر بداخلاق بود، المیزان نمی‌توانست بنویسد. بداخلاقی با معارف جور در نمی‌آید.

- ماها ولخرج نورانیت و نور هستیم. کاری می‌کنیم، نورانیتی حاصل می‌شود بعد راحت کاری می‌کنیم که می‌رود و جایش را به ظلمت می‌دهد. شب بلند می‌شویم چندتا استغفار می‌گوییم و مشمول آیه «ویستغفرون بالاسحار» می‌شویم اما صبح می‌گوییم «حالا غیبت فلانی نباشدها...» هیچی تمام شد و رفت.

- تعجب می‌کنم از بعضی‌ها! آقا یا خانم مؤمن ۲۰ بار عمره رفته، بار ۲۱ می‌گویند بیا پول عمره را بده برای جهیزیه دختر یتیم اما می‌گوید نمی‌توانم، دوستانم می‌روند چرا من نروم؟! حالا بگو شما این همه رفتی، اخلاق را رعایت می‌کنی؟ مگر دین مسخره است؟! هر سال عمره می‌روی،اما یک عیب را از خودت دور نکردی؟

- فرد در حالی که تصور دارد خبری است وارد روز قیامت می‌شود اما ناگهان تعجب می‌کند، پس نمازها و عمره‌ها چه شد؟ می‌گویند دل شکستی! ریا کردی! زهر زبان ریختی! جوان عزیز اگر می‌خواهی به جایی برسی از خانه‌تان شروع کن! اگر دل خواهرت را شکستی، دل مادر و پدر را شکستی، برو درستش کن. از خانه شروع کنید.

- اهل قسم نیستم ولی مجبورم، دلم می‌سوزد. خانم‌ها، آقایان! بشنوید! به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها قسم اگر لطیف نباشید چیزی گیرتان نمی‌آید، خودتان را معطل نکنید. هی اوقات تلخی راه می‌اندازد، عصبانی می‌شود، بعد هم می‌خواهد بشود زبدةالعارفین؛ یک‌بار این قسم را خوردم که تا لطیف نشوید چیزی گیرتان نمی‌آید.

- خدا گناه «آبرو بردن» را سخت می‌بخشد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «کسی که آبروی مردم را نریزد، خداوند از گناهان او صرف‌نظر خواهد کرد.» اغلب جهنمی‌ها، جهنمی زبان هستند! فکرنکنید همه از دیوار مردم بالا می‌روند. یک مشت مقدس را می‌آورند جهنم به سبب اینکه آبرو می‌بردند! اسلام خواهان حفظ آبروی افراد است.

- خبرهای بد را هیچ وقت در خانه نگویید. تا به خانه می‌رسد، می‌گوید تصادفی را دیدم! نمی‌خواهد بگویید. اصلاً خبرهای منفی را در منزل نگویید. شما را به خدا قسم می‌دهم این‌ها را رعایت کنید زیرا ضربه‌هایی به خانواده زده می‌شود که جبران نمی‌شود. چیزهای پریشان کننده نگویید. به همسر و بچه‌ها آرامش دهید.

- مردم فکر می‌کنند اولیای خدا روزی هزار رکعت نماز می‌خوانده‌اند که این طوری شدند. خیر، آنها فقط در اثر داشتن صفات عالیه به اینجا رسیدند.

- صفات عالیه انسان را ۱۰ فرسخ، ۱۰ فرسخ جلو می اندازد. یک خشم فرو خوردن آدم را از هزار رکعت نماز زودتر به خدا می رساند. یک دل شاد کردن و یک نفر را خوشحال کردن انسان را زودتر به خدا می رساند. از اینجا باید شروع کنیم. اینجا را درست کن بعد هزار رکعت نماز خودش می‌آید، خودت مشتاق می شوی.

- عمدتاً باید با باطن خود به خدا برسید! اگر هزار «قل هو الله» هم خواندی خودت میدانی، من فضولی نمی کنم! اما امامان ما فرمودند با باطن خود زودتر به خدا می رسید. هنوز باطن را اصلاح نکرده نماز هزار قل هو الله می‌خواند، چه فایده‌ای دارد؟

-خسته شدم بس که گفتم این دین، دین کیفیت است نه کمیت! مقصودم این نیست که مستحبات را انجام ندهیم، نمازهای طولانی نخوانیم، آن به‌جای خودش، اما باید با باطن به خدا رسید. بعد از همه اینها باید بدانید که رسیدن به خدا نماز هزار «قل هو الله» نمی‌خواهد! هنوز باطن را اصلاح نکرده مرتب دعای کمیل می‌رود. هنوز بلد نیست در منزل با خانواده رفتار کند، هرسال به عمره می‌رود! چه فایده؟ دین، مسخره که نیست!

گفت و گو با دکتر صباح زنگنه، نماینده سابق ایران در سازمان کنفرانس اسلامی

دانشوری نخبه و نادر از تبار کتاب شناسان

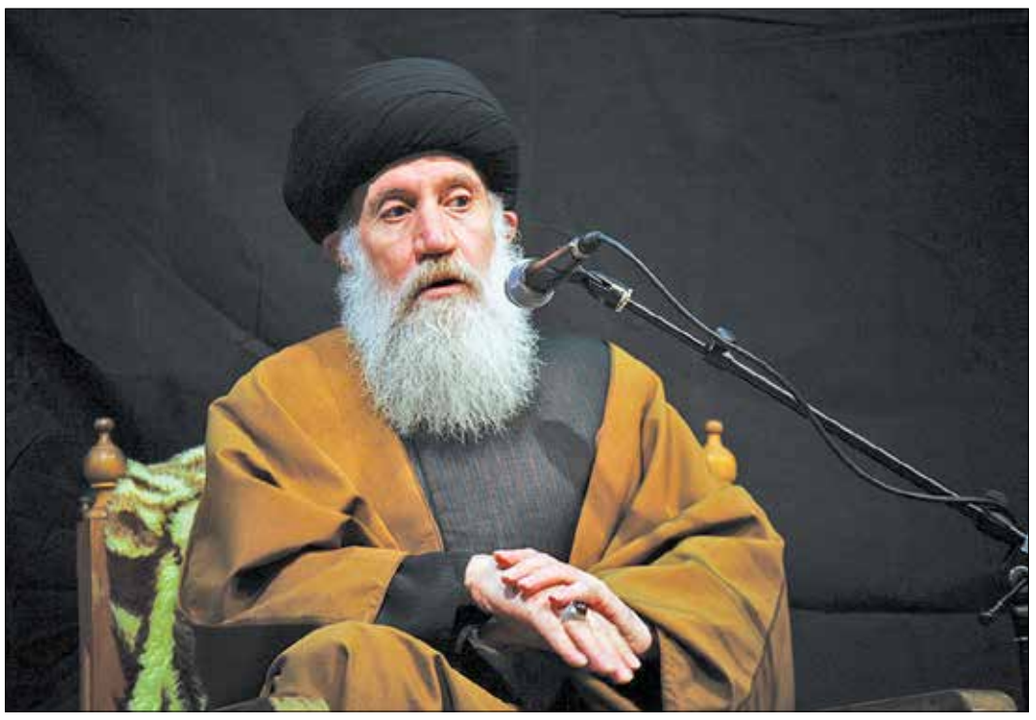

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

کتاب‌شناسی شعبه‌ای از علم است که شامل معرفی محتوایی کتاب، مقایسه اختلافات موجود در چاپ‌ها، تحریرها و نسخه‌ها، همچنین اطلاعاتی پیرامون مؤلفان کتاب و میزان دسترسی آنان به منابع و.... است که تعیین ارزش سندی و محتوایی یک اثر را وجهه همت دارد. کتاب‌شناسی از دیرباز مورد توجه محافل علمی بوده و عالمان بویژه عالمان دینی کم و بیش بدان اشتغال داشته‌اند. یکی از ابعاد کمتر شناخته شده شخصیت وجودی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالله فاطمی‌نیا که در آن تبحر بسیاری داشته، کتاب شناسی است، تا آنجا که در این ارتباط سفرهای متعددی به کشورهای منطقه عربی داشته و با چهره‌های دانشگاهی و عالمان برجسته این کشورها پیرامون این موضوع به محاجه پرداخته است. حتی از سوی مراکز دانشگاهی معتبر دنیا همچون آکسفورد در همین ارتباط دعوت به همکاری شده است. در این ارتباط با دکتر صباح زنگنه نماینده سابق ایران در سازمان کنفرانس اسلامی و دارای مسئولیت‌های متعدد سیاسی و فرهنگی از جمله ریاست نمایشگاه کتاب تهران در دهه ۱۳۶۰، همچنین معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... پیرامون این ویژگی شخصیتی مرحوم فاطمی‌نیا به گفت‌وگو نشسته‌ایم که حاصل آن پیش رویتان قرار دارد.

■ یکی از ویژگی‌های آقای فاطمی‌نیا کتاب‌شناسی ایشان بود. مهارتی که میان بسیاری از عالمان دین رواج دارد. اساساً کتاب و کتابت از چه جایگاهی در مجموعه تعالیم اسلام برخوردار است؟

کتابت به عنوان حامل فرهنگ وعامل انتقال دهنده فکر و اندیشه، در آیات قرآن وسنت پیامبر و ائمه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چرا که هم حوادث و هم مفاهیم را ثبت می‌کند. وقتی یک منبع مکتوب وجود داشته باشد، می‌توان با کمک آن، ساختار رسم کرد و از آن به عنوان یک ابزار در انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر بهره برد. به همین دلیل تعالیم اسلامی تأکید دارد که فکر و اندیشه به‌طور دقیق ثبت و ضبط شوند. در روایتی آمده است: «ثبت العلم بالکتاب» یعنی «علم را به وسیله کتابت ثبت کنید.» زیرا از این طریق می‌توان علم را به آیندگان انتقال داد. تأکید اسلام بر این است که علم باید مکتوب شود تا قابل انتقال به نسل‌های بعدی باشد. البته انتقال فرهنگ و علم می‌تواند شفاهی هم باشد. اما کتابت علاوه بر آن‌که موجب می‌شود فرهنگ به نسل‌های بعد منتقل شود، می‌توان در موارد لزوم صحت آن را نیز مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار داد. در واقع در کتابت تحریف کمتر صورت می‌گیرد و اگر هم اتفاق بیفتد، با پیگیری سلسله انتقال نقل مطالب قابل شناسایی خواهد بود. از این‌رو در کنار نقل آیات و احادیث، برای آنکه قابل استناد باشند و بتوان آنها را ارزیابی کرد بر نوشتن آیات قرآن و کتابت آن هم بسیار تأکید شده است. به نحوی که گفته می‌شود ۱۰ فرد شاخص کاتب قرآن بوده‌اند. البته مدتی به بهانه حفظ اصالت وحی، از مکتوب شدن احادیث نبوی جلوگیری شد با این استدلال که احادیث پیامبر(ص) با آیات قرآن اشتباه گرفته نشود که استدلال ضعیفی است زیرا یکی از مهمترین کاتبان وحی حضرت علی(ع) بوده و آن حضرت تفاوت روایات و آیات را به نحو مطلوبی آشکار می‌ساخت. با وجود این ثبت احادیث به دلیل ممانعت حاکمان دچار آفت تأخیر شد. این بود که برخی از علما به کارشناخت احادیث صحیح از غیر آن روی آوردند و از جایگاه بالایی نیز برخوردار شدند چرا که یقین به یک روایت یا یک حدیث یا یک سنت، در تدوین احکام فقهی نقش مهمی دارد. به همین دلیل فصلی در علوم دینی به وجود آمد و آن علم شناخت صحت و اصالت احادیث و ثقه بودن راویان آنها بود.

در چنین شرایطی دو نوع علم جدید متولد شد یکی «علم درایه»، دیگری هم «علم رجال». اهتمام این دو علم دستیابی به احادیث از جهت صحت و اصالت مطلب و سلسله راویان آن است. در همین راستا نیز صنعت استنساخ کتاب هم به‌وجود آمد تا نسخه‌های منحصر به فرد از گزند تحریف مصون مانند.

■ با توجه به توضیحاتی که فرمودید، آقای فاطمی‌نیا چه موقعیتی در نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی داشت؟

مرحوم فاطمی‌نیا و برادر ایشان مرحوم محمد اصفیایی هر دو در زمره قهرمان‌های رشته شناخت کتاب و نسخه‌های خطی و چاپی بودند. می‌توان این طور گفت که هیچ کتابخانه و کتابفروشی‌ای وجود نداشت که آقای فاطمی‌نیا از آن بازدید نکرده باشد. اطلاعات ایشان به‌قدری گسترده بود که گفته می‌شود هر کتابی که تازه به بازار ارائه می‌شد و ارزش خرید و نگهداری داشت را ایشان به هر قیمتی به دست می‌آورد. همه کتابفروش‌های کشور که کتاب‌های مهم را عرضه می‌کردند، ایشان را می‌شناختند. آن مرحوم در میان کتابفروشی‌های قدیم در ناصرخسرو و بازار بین‌الحرمین شناخته شده بود و اگر کتاب جدیدی به دست کتابفروش‌ها می‌رسید، فوراً قضیه را به اطلاع ایشان می‌رساندند. ایشان هم بلافاصله در محل فروش آن کتاب حاضر شده و کتاب‌ها را به دقت مورد بررسی قرار می‌داد و بعد از اطمینان از ارزش محتوایی، آن را می‌خرید. گاهی اتفاق می‌افتاد ایشان وارد یک کتابفروشی مهم می‌شد و با کنار گذاشتن عبا و عمامه مانند یک فرد عاشق در میان کتاب‌ها به جست‌وجوی دُرّ و جواهر می‌گشت و آن جواهرها و مرواریدها را یافته و کنار می‌گذاشت و آنها را خریداری می‌کرد. اگر هم توان مالی ایشان کفاف نمی‌داد کتاب را قرض می‌گرفت یا مطالب مهم و مورد نیاز خود را نسخه‌برداری می‌کرد. به هر حال ایشان انس و علاقه عاشقانه‌ای به کتاب داشت و ناشران هم که میزان عشق و علاقه وی به کتاب را مشاهده می‌کردند، حاضر بودند هر نوع همراهی را با ایشان داشته باشند.

■ آقای فاطمی‌نیا بر این کتاب‌ها نقد و حاشیه‌هایی هم می‌نوشتند؟

بله مواردی وجود دارد، اما اغلب به صورت شفاهی بیان می‌کردند. در مواردی هنگام مراجعه به کتابخانه‌های قاهره، بغداد، نجف و دیگر مراکز مهم فرهنگی جهان نقد خود را بیان می‌داشتند و مسئولان آنجا را از جهت وسعت اطلاع و دانش خود به تحیر وامی‌داشتند. ایشان استعداد عجیبی در حفظ مطالب کتاب‌ها داشتند و آنچه را که می‌خواندند، حفظ می‌کردند. از این‌رو اختلاف نسخ و منابع را به‌خوبی کشف و بیان می‌کردند. خاطرم است مدیر کتابخانه و مجموعه‌ای فرهنگی در دوبی به نام «جمعه الماجد» که فردی علاقه‌مند به فرهنگ و ادبیات عرب بوده و کتاب‌های خطی را از سراسر دنیا بخصوص ایران جمع‌آوری می‌کند و افراد برجسته‌ای را هم دراختیار دارد، در مقطعی از ایشان دعوت کرد تا به دوبی سفر کنند و از مجموعه آنان دیدار داشته باشد. در آنجا بحثی در می‌گیرد و اشکالات کتابی کمیاب که برای ملاحظه ایشان آورده بودند را بعد از تورق و مطالعه فقراتی از آن، مطرح می‌نمایند و می‌گوید: این نقل قول صحیح نیست و مطلب صحیح در فلان کتاب وجود دارد. جمعه الماجد که می‌بیند استدلالات آقای فاطمی‌نیا قابل تأمل بوده و اطرافیانش از عهده پاسخگویی برنمی‌آیند، دستور به تهیه کتاب‌های مورد نظر آقای فاطمی‌نیا می‌دهد. با تهیه کتاب‌ها جمعه الماجد از تسلط و وسعت و دقت اطلاعات آقای فاطمی‌نیا بر نسخه‌های کمیاب و خطی مات و مبهوت مانده و همانجا به ایشان پیشنهاد می‌کند که من حاضرم تمام امکانات عالی اقامت شما را در اینجا فراهم کنم تا شما در هفته چند روزی به ما سر بزنید و نواقص کتاب‌ها را برطرف کنید که آقای فاطمی‌نیا این پیشنهاد را قبول نکردند.

مورد دیگری هم در مسقط پیش آمد. در ملاقات آقای فاطمی‌نیا با مفتی اعظم عمان، آقای شیخ الخلیلی که ازجمله افراد بسیار مسلط بر کتب نسخ خطی و ادبیات عرب است، وقتی تسلط آقای فاطمی‌نیا بر ادبیات عرب را مشاهده می‌کند، به وجد آمده و پیشنهاد اقامت در مسقط را مطرح می‌کند تا از فیض علوم و معارف آقای فاطمی‌نیا بهره ببرد. وزیر فرهنگ عمان نیز برای ایشان کارت شهروندی صادر کرده و خواهش می‌کند آقای فاطمی‌نیا در مسقط بماند.

در واقع توانمندی آقای فاطمی‌نیا در شناخت ادبیات عرب برای یک وزیر فرهنگ کشوری عربی بسیار جذاب بوده و اعتراف می‌کنند تاکنون کسی را ندیدند که به این اندازه شناخت نسبت به ادبیات عرب داشته باشد.

■ آقای فاطمی‌نیا این علوم را نزد چه کسانی آموخته بود؟

والده ایشان آیت‌الله میراسماعیل اصفیایی به زبان و ادبیات عرب علاقه و تسلط عجیبی داشت. به همین جهت فهم عمیقی نیز از قرآن داشت. آقای فاطمی‌نیا در وهله نخست پیش ایشان تعلیم دیده بود و در مرحله بعد نزد استاد مصطفی تبریزی تلمذ کرده بود. به غیر از اینها، دوره‌ها و رفت و آمدهای زیادی با افراد کتاب شناس داشت ضمن اینکه خود نیز هر کتابی به دستش می‌رسید با علاقه و دقت مطالعه می‌کرد.

دلیل دیگر تسلط ایشان بر ادبیات عرب مطالعه مستمر کتب عربی بود. این ویژگی موجب تسلط ایشان به زبان عربی شده بود تا آنجا که قادر بود به زبان عربی به شیوایی صحبت کند و در محافل علمی و دانشگاهی کشورهای سوریه، لبنان، مغرب، تونس، عربستان و بقیه کشورها به‌راحتی با لحن و گویش محلی به سخنرانی بپردازد.

■ آیا ایشان نسبت به تصحیح نسخ خطی اقدام کرده بود؟

آقای فاطمی‌نیا در تلاش بود تا «دیوان متنبی» از شاعران عرب در قرون گذشته را تصحیح و طبقه‌بندی کند. یک‌سری تحقیقات هم انجام داد که کامل نیست. دانشگاه‌های معتبر همانند آکسفورد هم به‌شدت دنبال این کار بودند و مکاتبات زیادی با ایشان داشتند. البته ایشان در سکوت کار را دنبال می‌کرد که متأسفانه به انجام نرسید.

■ آقای فاطمی‌نیا در سایر حوزه‌ها نیز فعال بود. در این ارتباط هم توضیحاتی می‌فرمایید؟

چیزی که بیش از همه ذهن ایشان را مشغول کرده بود، آگاه‌سازی اجتماعی از طریق خطابه و بیان مسائل بود. به تعبیر خودش نوکر امام حسین(ع) بود و خدمت به فرهنگ حسینی(ع) و فرهنگ تشیع را وجهه همت خود قرار داده بود، تا بتواند جوانان را با اسلام و دین و مذهب آشنا سازد. آن مرحوم تلاش داشت تا دین را از دریچه محبت به نسل امروز معرفی کند. همچنین این موضوع موجب شد تا زمان زیادی را صرف تدارک و مطالعه برای سخنرانی‌های خود کند. موضوع دیگر شرح نهج‌البلاغه بود که به آن عنایت خاصی داشت. شرح صحیفه سجادیه نیز که بیشتر در حوزه اخلاق و عرفان است هم وقت زیادی از ایشان می‌گرفت. همچنین رفت و آمدهای ایشان با مراکز علمی و فرهنگی نیز بخشی دیگر از مشغله ایشان بود. اما از همه اینها مهمتر ایجاد پناهگاه امن معنوی برای جوانان بود. این موضوع مورد قدردانی مردم نیز بود. کما اینکه مردم با عشق و علاقه برای تشییع پیکر ایشان آمدند و بدون اینکه تبلیغاتی انجام شود، مردم به صورت خودجوش آمدند و حضور شکوهمندی از حضورشان شکل گرفت که این موضوع ذخیره بزرگ فرهنگی برای کشور و تشیع به حساب می‌آید.

■ مرحوم فاطمی‌نیا گاهی توصیه به خواندن بعضی اوراد و اذکار داشتند برای رسیدن به مطلوب‌هایی که برخی افراد و محافل آن را در شأن علمی یک عالم فرهیخته ندیده و نقطه ضعفی برایشان قلمداد می‌نمایند. آیا این طور است؟

اغلب مطالبی که ایشان بیان می‌کردند از عمق بوده و آن را لمس کرده بودند. یعنی تمام اینهایی که می‌گفتند به‌صورت وجدانی و شهودی تجربه کرده بودند در حقیقت ایشان زندگی را محدود به افق و چهارچوب‌های سفت و سخت فقهی نمی‌دانستند. ایشان معتقد بودند احکام جزئی از زندگی هستند نه تمام زندگی. زیرا زندگی شامل معنویت، اخلاق، عرفان، تاریخ و.... هم می‌شود بنابراین این دعواهای تاریخی که بین فقها و عرفا وجود داشت، ایشان از آن مرحله عبور کرده بود. آقای فاطمی‌نیا اطلاعات فقهی بسیار بالایی داشت، زیرا هم با مراجع بزرگ ارتباط داشت، هم نزد پدرشان که یکی از پایگاه‌های بزرگ فقاهت بود تلمذ کرده بود. ایشان اجازه نقل روایت و حدیث داشت و مراجع قم و نجف از این موضوع مطلع بودند لذا از این نظر مشکل و کمبودی نداشت. اما به باور ایشان آنچه در جامعه روابط اجتماعی را می‌سازد، اخلاق است. وی معتقد بود با محدود بودن در قالب‌های خاص و خشک و بدون داشتن اخلاق و مبانی درست رفتاری، جامعه جهنمی بدون آرامش خواهد بود. بنابراین چیزهایی که ایشان نقل می‌کرد مبتنی بر برخی روایت‌ها با هدف تلطیف روح اجتماع و حاصل تجربه شخصی خود او بود.

> «جمعه الماجد» که فردی علاقه‌مند به فرهنگ و ادبیات عرب بود در مقطعی از ایشان دعوت کرد تا به دوبی سفر کند و از مجموعه آنان دیدار داشته باشد. در آنجا بحثی در می‌گیرد و اشکالات کتابی کمیاب که برای ملاحظه ایشان آورده بودند را بعد از تورق و مطالعه فقراتی از آن، مطرح می‌نماید و می‌گوید: این نقل قول صحیح نیست و مطلب صحیح در فلان کتاب وجود دارد. جمعه الماجد که می‌بیند استدلالات آقای فاطمی‌نیا قابل تأمل بوده و اطرافیانش از عهده پاسخگویی برنمی‌آیند، دستور به تهیه کتاب‌های مورد نظر آقای فاطمی‌نیا می‌دهد. با تهیه کتاب‌ها جمعه الماجد از تسلط و وسعت و دقت اطلاعات آقای فاطمی‌نیا بر نسخه‌های کمیاب و خطی مات و مبهوت می‌ماند

آبروی منبر دینی

مجید جعفرپور
دین پژوه

اهل منبر در فرهنگ اسلامی منزلت خاصی دارند. پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله در این خصوص می‌فرماید: «آیا به شما خبر دهم از گروه‌هایی که از پیامبران و شهیدان نبوده، ولی در روز رستاخیز پیامبران و شهیدان به جایگاه‌های ایشان در پیشگاه الهی که بر منابری از نور است، غبطه می‌خورند؟» گفته شد: ای رسول خدا ایشان کیستند؟ حضرت فرمود: «آنها کسانی هستند که بندگان خدا را نزد خدا محبوب می‌کنند و خدا را نزد بندگانش محبوب می‌گردانند.» اصحاب گفتند: محبت خدا بر دل بندگان افکندن را فهمیدیم، ولی ندانستیم بندگان را چگونه محبوب خداوند قرار می‌دهند؟ آن حضرت فرمود: «بندگان را به آنچه خداوند دوست دارد، فرمان می‌دهند و از آنچه ناخوشایند اوست باز می‌دارند و هرگاه از آنان اطاعت کنند خداوند ایشان را دوست می‌دارد.»

اهل منبر زمانی در کار خود موفق خواهند بود که با علم و آگاهی و بصیرت کامل در مورد موضوع بحث، بر منبر نشسته و سخنرانی کنند وگرنه به مقصود نخواهند رسید. دعوت به خدا باید با بینش کامل و اطلاع از منابع موثق صورت گیرد؛ همچنان که قرآن از زبان رسول خاتم صلی‌الله علیه و آله می فرماید: (اَدْعُواْ إِلیَ اللّه عَلیَ بَصِیرَه اَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنی)؛ من و هرکس که پیرو من است با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم.

تسلط به آیات وحی و رجوع به تفاسیر معتبر، آشنایی کامل از روایات اهل بیت علیهم‌السلام که در مجامع و کتب معتبر دینی گرد آمده است؛ همانند نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، اصول کافی و آشنایی با عالمان تأثیرگذار و صاحب اندیشه، بر یک منبری ضرورت دارد.

درست است که ظاهر خوب یک منبر، اعم از فنون خطابه، ظاهر سخنران، چینش مطالب، بهره‌گیری از عبارات زیبا و... به درک مطلب کمک می‌کند، ولی مهم‌ترین بخش منبر، همان محتوای آن است. محتوای منبر نیاز به کتاب شناسی دارد و منبری هر چه بیشتر در این فن تواناتر باشد، محتوایی غنی و مستند خواهد داشت.

کتاب شناسی به ارائه مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد یک کتاب گفته می‌شود که به تفسیر و توصیف و بررسی کتاب می‌انجامد. کتاب شناسی به محقق کمک می‌کند آثار تدوین شده در زمینه موضوع مورد تحقیق خود و گستره آنها را بشناسد و با دیدن مرزهای پژوهش با بینشی جامع و توشه‌ای وافی و کافی، به سراغ تحقیق خود رود و در زمینه پژوهش، مسیری رو به جلو، نه سیری قهقرایی را طی کند.

یکی از وعّاظ و منبری‌هایی که محققانه و عالمانه منبر می‌رفت، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالله فاطمی‌نیا بود؛ ایشان از پژوهشگران علوم اسلامی در حوزه رجال، کتاب شناسی و موضوع شناسی بود. این عالِم واعظِ درس‌آموز که شصت سال در علوم مختلف، موضوع شناسی کرد؛ این‌گونه تأکید می‌کند: درست است که نسخه شناسی و کتاب شناسی نیاز به تخصص زیادی دارد، اما از اینها مهم‌تر و بالاتر، «موضوع شناسی» است. مسأله «موضوع شناسی» بیشتر کار شود و در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی روی آن کارکنند و تدریس شود. امروز پژوهشگران، استادان و علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی بیشتر از شناخت نسخه‌ها و کتاب‌ها، نیاز به شناخت موضوع‌ها دارند. اینکه در چه موضوعاتی چه چیزهایی نوشته شده، مهم هستند. باید به اندازه مشتاقان در کتابخانه‌ها، کلاس‌های موضوع شناسی تشکیل شود.

او نیز به نیکی از حدیث نبوی آموخته بود، با نوشتن است که علم ماندگار می‌شود. از این رو، تصمیم می‌گیرد اطلاعات گسترده خویش را در علوم اسلامی که حاصل شصت سال تحقیق بود در قالب کتاب درآورد و در اختیار علاقه‌مندان به مکتب اهل‌بیت علیهم السلام بگذارد؛ این کتاب‌ها عبارتند از: «نکته‌ها از گفته‌ها»، «فرهنگ انتظار»، «فرجام عشق»، «یک نکته از هزاران»، «ارمغان غدیر»، «شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره» و «نغمه عاشقی».